

نوشتار تحلیلی عباس سلیمی نمین
در پاسخ به محمد قوچانی

منجی وطن یا مهره انگلیس؟!

نقدی بر یک روایت تحریف شده و کاریکاتوری از شهریور ۱۳۲۰

عباس سلیمی نمین، پژوهشگر و نویسنده نزدیک به تاریخ معاصر درواکنش به روایت محمد قوچانی، مدیر مسئول مجله «آگاهی نو» از نقش محمدعلی فروغی در شهریور ۱۳۲۰ و معرفی او به‌عنوان «منجی وطن»، با بازخوانی عملکرد سیاسی فروغی و استناد به شواهد تاریخی، این تصویر را به چالش کشیده و او را عنصری همراه با سیاست‌های انگلیس و چشم‌پوشی از منافع ملی ایران معرفی کرده است. آنچه در پی می‌آید نوشته تحلیلی سلیمی نمین خطاب به قوچانی است.

فروغی به عنوان یکی از چهان‌وطنان برجسته، منافع سردمداران جهان سرمایه‌داری را ارجح می‌دانست، بنابراین به بهانه اینکه باید دل اشغالگران را به‌دست آورد تا بعد از پایان جنگ جهانی با رعایت تمامیت ارضی ایران، این دیار را ترک گویند امتیازات بی‌حد و حصری به آنان می‌داد

خدمت فروغی برای کاهش هزینه بیگانه مهاجم نبود، وی حتی نیروهای مورد نظر انگلیس را به مناصب حساس کابینه خود گمارد:

«انگلیسی‌ها از هجرو درماندگی روزنه بهره بردند و در این روزها‌ی جاذبه حکوت وضع خود را تثبیت کردند. فروغی از این آبه را نهایی می‌خواست جلوی سینه لعما امضا می‌کرد. از آن لحظه وارد کردن حسن مشرف-نفیسی- وکیل شرکت نفت جنوب- در کابینه و سپردن وزارت دارایی به او بود. او فرانچ لیره را نسبت به ریال دو برابر کرد...»(همان، ص ۱۷۹)

این بدان معنی بود که بخش اعظم هزینه اشغالگران را ملت ایران پرداخت می‌کرد. در مسائل داخلی نیز، فروغی به وعده خود برای برگزاری انتخابات آزاد وفادار ماند و نتیجه انتخابات مجلس چهاردهم را همان‌گونه که انگلیس‌ها می‌خواستند، یعنی سرشار از اکثریت قاطع نمایندگان وابسته به دربار و انگلیس، رقم زد. اما در نهایت زیر فشار شدید افکار عمومی و روزنامه‌های وابسته به جناح ملی که کنار خود از دربار ناامید شده بودند، فروغی ناگزیر شد به برکناری و حبس مخبری و تبرومند (رئیس دربار) و رانسج (رئیس بهداری) و... رضایت دهد. (اما به واسطه) «هم (وزیر دادگستری) می کوشید در هر فرصت به بقیه عوامل رژیم اطمینان سپهبدی در نفت ایران بیابد. بنابراین باز گذاشتن دست بیگانه به‌ویژه انگلیسی‌ها در ایران به بهانه تلاش برای حفظ تمامیت ارضی کشور خیلی بیش بیش که مسئله پیوند زده بود به آن اذعان دارد. اما مهم‌تر این تدبیری- وبه تعبیری خیانت- دولت فروغی لوایحه‌ای گرانی و قحطی را دامنه می گسترده شد، تا آنجا که نرخ‌ها ۱۱۲ درصد ترقی کرد. امکانات گسترده ریالی در اختیار متقلبین قرار گرفت. با اشکار شدن عوارض این تصمیمات، دولت ناگزیر شد با اشتر ۴۰۰ میلیون ریال اسکناس تازه، به قیمت ورود ارز، دست فشاری خرد کننده بر طبقات فقیر وارد کند.»(همان، ص ۱۹۱)

این تقابل شدید اقشار مختلف مردم با فروغی موجب شد که دولت وی بیش از شش ماه دوام نیاورد.

جناب قوچانی! با وجود این توصیفات از نگاه جامعه به فروغی، عنوان «منجی وطن» به او دادن، یا بازخوانی عملکرد فروغی و استناد به شواهد تاریخی، این تصویر را به چالش کشیده و او را عنصری همراه با سیاست‌های انگلیس و چشم‌پوشی از منافع ملی ایران معرفی کرده است. آنچه در پی می‌آید نوشته تحلیلی سلیمی نمین خطاب به قوچانی است.

جناب قوچانی! فروغی صرف نظر از دانشش در برخی عرصه‌ها، در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... دارای کارنامه مقبولی نیست که بتوان وی را منجی ملت ایران قلمداد کرد. در تاریخ معاصر ایران کسانی که در چارچوب پیوندهای تشکیلاتی از تعلق به وطن عدول کرده و رویکرد جهان‌وطنی را در پیش گرفته‌اند هرگز منشأ تحول نبوده‌اند. اگر شخصیت‌هایی چون امام خمینی و در امتداد ایشان، رهبر شهید توانستند در ایران به گونه‌ای بوده که حتی افرادی چون فروغی به فکر جزئیات! نیز می‌بودند تا انگلیسی‌ها در میدان، فرصت و فکر مشکل نشوند.

جناب قوچانی! در چند فراز از سر مقاله خود مدعی مطلبی مستاقفید: «فروغی از پیشتازان مشروطه‌خواهی و بنیانگذاران پادشاهی پهلوی بود.»(آگاهی نو،ص ۱۴) چگونه ممکن است کسی صادقانه از مشروطیت دفاع کند و همزمان بنیانگذار پهلوی به میلیون محصول کودتای علیه نهضت مشروطه باشد؟! ملت ایران مشروطه را بر کودتا در قدرت استبدادی نهضت مشروطه باشد؟! ملت ایران مشروطه را بر کودتا در قدرت استبدادی یک وجهی قاجار، نهضتی را شکل داد و یا استفاده از موقعیت نهادهای مدنی در این دوران توانست گام بلندی در مسیر توسعه سیاسی بردارد. مباحث شورای ملی یا این جعل تاریخی سازگاری دارد که باوجود مخالفت انگلیسی‌ها با سلطنت مصدق فروغی توانست با تدبیر شخصی خود در کمال پنهان کاری، چنین امر مهمی را رقم زند؟ از آن جا که این پادشاهی برخی متهایان به سلطنت را علنا و اسناد سازگاری ندارد و نوسنده کتاب «کاخی به شاه» باوجود تعریف شدن در این قشر با این قصه پردازی‌های ابتذایی و بسیار سطحی هم نوشته است ضمن اینکه اوردن سپاهی لشکر به جلوی مجلس قبل از مراسم می توانست برای مخدوش کردن مصدق مخالفت قلب باشد، به بعد از مراسم. بنابراین عباس میلانی می‌نویسد:

«در مسیر حرکتش از کاخ به مجلس شورای ملی آهنی دقیقاً عکس آنچه به نقل از فروغی روایت می‌شود آنبوهی از مردم در خیابان‌ها ایستاده بودند تا سلطنت خود را از شاه جوان نشان دهند. در مورد جدی جلوه دادن جمعیت در مسیر شاه اشقا نظری نیست. برخی بر آنند که حضورشان خودانگیخته بود و هدف حمایت از سلطنت را دنبال می کرد. در «پایبع به تاریخ»، شاه ادعا می کند که با «تأیید و حمایت مردم در تخت سلطنت» جای گرفت. برخی سفارت‌های غربی در آن زمان و برخی مفسران سیاسی ادعا کرده‌اند که مسیر «جمعیت‌های استیجاری» که در سیاست کشورهای چون ایران گاه نقشی کلیدی دارند پر کرده بود. بدون شک در آن زمان بسیار بودند کسانی چون علا» و فروغی که می خواستند روحیه ضعیف شاه را تقویت کنند. «میلانی، عباس، نگاهی به شاه، نشر پرنیس سیرکل، کانادا، بهار ۱۳۹۲، ص ۱۰۳)

جناب قوچانی! فروغی صرف نظر از آزادی دامادش موجبات رهایی مصدق از زندان را فراهم ساخت. این ادعا که هدفش اعتبار بخشی به آخرین رئیس‌الوزرای رضاخان است کاملا کذب است. مصدر اشاره‌ای مشابهی در مورد اینکه وی موجبات رهایی مصدق را فراهم آورد دارد که شریفاتی خود راه به آن نکرد. فروغی در اواق فراغتی روزها به آتن، رفایت خول خارجی به گردش می‌رفت و همین امر باعث شد که کارنامه فروغی در تعامل با دیکتاتور منحصر به این مقوله نیست وی در تبعیت محض از برامده کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ انگلیس، هیچ گونه شأنی برای خود قائل نبوده است؟!

«فروغی نزد شاهپور محمدرفت وی را متقاعد ساخت که با لباس شخصی در اتومبیل سادهای در کنارش قرار گیرد و راهی مجلس شود. وسیله نقلیه دیگری البته تشریفاتی مقام سلطنت و نخست‌وزیر را تداعی می کرد. هر دو اتومبیل بدون جلب نظر وارد محوطه مجلس شدند. شاهپور محمدرضا به اطاقی رفت که به کمک یکی از درباریان لباس رسمی و تشریفاتی خود را به تن کرد. فروغی در اطاق دیگری هم همین کار پرداخت... در ساعت ۱۵:۳۰ (سه ونیم بعدازظهر) محمدرضاشاه پهلوی کاخ بهارستان را ترک کرد. خبر انجام این مراسم به سرعتی وحشتناک در شهر پیچیده بود. جمعیتی عظیم در مقابل کاخ بهارستان اجتماع کرده بود. شاهزاده با یال حال نفهمیده مراسم را برای چه دستگیر کرده‌اند و شهریاری آورده‌اند و بهترین گواه پرونده‌های من است. در شهریاری سؤال کرده چه تقصیرها اینجا را خواسته‌اند؟ گفتند: تقصیری ندارید و فقط به دربار آمده‌اید. من و کسانم در خواستیم از والاحضرت همایون ولیعهد وقت تکذیم این در خواست از طرف مسیو وزیر خارجه سویس به یکی از دوستان اهل تحصیل اعلیحضرت شاهنشاه که در بیمارستان «نجات» بستری شده بود صورت گرفت.» (علاءالدین، محمد، خاطرات و تألمات دیپلمات، ص ۱۳۵-۱۳۴)

جناب قوچانی! بازگشت محمدعلی فروغی به نخست‌وزیری در شهریور ۱۳۲۰ مرهون انگلیس‌ها بود که در آن زمان به‌ویژه سفیر انگلیس در ایران، رضاخان را به‌عنوان عنصری وابسته به آلمان نازی می‌دانستند و او را مانعی بر سر راه منافع خود می‌دیدند. بنابراین، طرح ارائه شده توسط فروغی به انگلیس‌ها، که در آن به‌صراحت از ادامه حکومت رضاخان حمایت می‌کرد، نمی‌توانست مورد پذیرش انگلیس‌ها قرار گیرد. در این طرح، فروغی پیشنهاد کرده بود که رضاخان از سلطنت کناره‌گیری کند و ولیعهد، محمدرضا پهلوی، جانشین او شود. این پیشنهاد نشان‌دهنده تلاش فروغی برای حفظ ساختار سلطنت و جلوگیری از تغییرات بنیادین بود، اما با توجه به مخالفت انگلیس‌ها با رضاخان، این طرح عملاً با شکست مواجه شد.

جناب قوچانی! شما بدون اشاره به این همه‌اهنگی‌ها به این خیانت آشکار و اقدام ضد ملی فروغی چه توجیهی دارید؟ آیا این تحریفی آشکار جهت گیری عوامل مجری سیاست‌های انگلیس نیست؟ آیا این رویکرد شما نشان‌دهنده تأثیر عمیق دیدگاه‌های انگلیسی بر تحلیل‌های شما نیست؟ آیا این تحریف آشکار تاریخ، که به‌نفع انگلیس‌ها و علیه منافع ملی ایران است، نشان‌دهنده تأثیر عمیق دیدگاه‌های انگلیسی بر تحلیل‌های شما نیست؟

جناب قوچانی! بازگشت محمدعلی فروغی به نخست‌وزیری در شهریور ۱۳۲۰ مرهون انگلیس‌ها بود که در آن زمان به‌ویژه سفیر انگلیس در ایران، رضاخان را به‌عنوان عنصری وابسته به آلمان نازی می‌دانستند و او را مانعی بر سر راه منافع خود می‌دیدند. بنابراین، طرح ارائه شده توسط فروغی به انگلیس‌ها، که در آن به‌صراحت از ادامه حکومت رضاخان حمایت می‌کرد، نمی‌توانست مورد پذیرش انگلیس‌ها قرار گیرد. در این طرح، فروغی پیشنهاد کرده بود که رضاخان از سلطنت کناره‌گیری کند و ولیعهد، محمدرضا پهلوی، جانشین او شود. این پیشنهاد نشان‌دهنده تلاش فروغی برای حفظ ساختار سلطنت و جلوگیری از تغییرات بنیادین بود، اما با توجه به مخالفت انگلیس‌ها با رضاخان، این طرح عملاً با شکست مواجه شد.

جناب قوچانی! شما بدون اشاره به این همه‌اهنگی‌ها به این خیانت آشکار و اقدام ضد ملی فروغی چه توجیهی دارید؟ آیا این تحریفی آشکار تاریخ، که به‌نفع انگلیس‌ها و علیه منافع ملی ایران است، نشان‌دهنده تأثیر عمیق دیدگاه‌های انگلیسی بر تحلیل‌های شما نیست؟ آیا این تحریف آشکار تاریخ نشان‌دهنده تأثیر عمیق دیدگاه‌های انگلیسی بر تحلیل‌های شما نیست؟